



عنوان مراسلات و تلگرافات

ایوردون - سویس

اداره صور اسرافیل

Yverdon-Suisse

Soure-Esrafil

فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ

قیمت اشتراك سالیانه

ایران — (۲۰) فرانک

شهر تبریز — (۱۵) فرانک

ممالک خارجه — (۲۵) فرانک

هفتگی سیاسی تاریخی اخلاقی، مقالات، لویاجی
 که موافقت با مسلک ما داشته باشد با امضا پذیرفته
 میشود در طبع و عدم طبع اداره مختار است،
 یا کتبی بدون (تمبر) قبول نخواهد شد،
 (وجه آئونه از هر کس و از هر جا مقدمات گرفته میشود)

پانزدهم صفر المظفر ۱۳۲۷ هجری

روزنامه

مطابق ۸ مارس ۱۹۰۹ مسیحی

(اعلان)

هر يك از مشتركين عظام وجه آئونه سالیانه
 هفتگی صور را پس از دریافت نمره سیم پردازد
 دیگر روزنامه برای او فرستاده نخواهد شد.

(ایضاً)

بعلت آنکه اسباب و وسائل خلع روزنامه هنوز
 چنانکه باید کامل و مرتب نیست انتشار این نمره
 فدوی تأخیر افتاد انشاءالله بتدریج همه کارها اصلاح
 خواهد شد.

موافق قوانین حقوق بین الملل دول حاضره هر
 عصر وقتی میتوانند کسی را بسمت سلطنت بشناسند
 و با او معامله سلطان و نماینده دولت کنند که یا بقوت
 و غلبه شخصی اختیارات قطعه را متصرف شده
 عادلانه یا ظالمانه امور آنها اداره کند. و یا اینکه
 قوه ملیه یعنی قانون اساسی مملکت سلطنت او را تصدیق
 نماید. و چون استثنائی درکار نیست سلطنت محمد علی
 میرزا نیز در ایران باید مندرج در تحت یکی از این دو
 شق باشد تا دول حاضره بتوانند او را نماینده دولت ایران
 شناخته باو قرض بدهند قرارداد بگذارند و معاهده کنند.

بلوث وجود او ملوث باشد در اواخر ماه اول بهار که برف و سرما بار بست ورود پنجهزار نفر مساج یا از طرف آذربایجان یا از سمت اصفهان و یا از جهت طوالتش بطهران برای برچیدن اساس این تقلید سلطنت کافی است .

پس شخص محمد علی میرزا امروز بواسطه قدرت نمیتواند مدعی سلطنت باشد و دول حاضره عصر نیز از راه تسلط او را باین سمت نخواهند شناخت . و قرض دادن یا ماهده کردن یا قرارداد جدید بستن با شخص مسلط بیک قصر بنام نمایندگی دولت یک مملکت وسیع را هیچ عاقل و عادل تصویب ننماید . اما قانون اساسی ما که محضی بصحه مظفرالدین شاه و خود محمد علی میرزا است و متمم آن که بخط پادشاه دروغی حالیه موشح است سلطنت محمد علی میرزا را سلطنت غاصبه می شمارد و ابداً او را بسمت سلطنت ایران و نمایندگی دولت نمیشناسد .

اصل پنجاه و یکم قانون اساسی ایران که موشح بامضای مظفرالدین شاه و محمد علی میرزا است میگوید . « مقرر آنکه سلاطین اعقاب و اخلاق ما حفظ این حدود و اصول را که برای تشییذ مبانی دولت و تأکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه معدلت و آسایش ملت رقرار و مجری فرمودیم وظیفه سلطنت خود دانسته و در عهده شناسند »

در آخر متمم قانون اساسی خود محمد علی میرزا مینویسد . « متمم نظامنامه اساسی ملاحظه شد تماماً صحیح است و شخص همیون ما انشاءالله حافظ و ناصر کلیه آن خواهیم بود اعقاب و اولاد ما هم مقوی این اصول و اساس مقدس خواهند بود »

اصل سی و هم قانون اساسی این است . « هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمیتواند جلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء قسم یاد نماید : « من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام الله مجید و بآنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم و قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم »

امروز کسی که يك نظر در نقشه جغرافیائی ایران نگاه کرده و وقایع خارجی را با آن تطبیق کند می بیند که از شمال تا جنوب ایران يك ایالت کوچک بلکه يك شهر ده هزار نفری نیست که در تحت تصرف و تسلط محمد علی میرزا باشد .

آذربایجان قریب نه ماه است که باسی هزار قشون حاضر السلاح امور خود را اداره کرده و در مقابل دزدهای اطراف و قبائل چپوچی میجنگد . طوالتش و گیلانات باقوای کامل آخرین قشون محمد علی میرزا را شکست داده آزادی خود را بعمل اعلان کردند .

ایالت کرمانشاه در تحت تصرف ایلات کلهر است . ایالت اصفهان و بختیاری و کاشان و قم در تحت اقتدار صمصام السلطنه میباشد .

استرآباد انجمن بلدی خود را دارا و بروفق اصول مشروطه اداره میشود .

ایالت خراسان در حالت شورش سخت و حاکم محمد علی میرزا بطهران فرار کرده است . بجنوره و سیستان نیز انجمن ولایتی خود را دارد . کرمان و بلوچستان در جالت شورش و حکام فراری هستند . فارس و لارستان در تحت تصرف قشون سید عبدالحسین لاری است .

در بوشهر و بندر عباس و سایر نواحی خلیج فارس حکام مقتول و مطرود و حکومت در دست ملیاست . امور همدان را نیز انجمن ایالتی اداره میکند . و حتی در طهران پایتخت مملکت دکا کین بسته و مردم در سفارتخانهها مجتمع و در وسط روز مردم متفرقه و سوارهای بختیاری با صدای بلند پست باد محمد علی میرزا و زنده باد مشروطه میگویند و محمد علی میرزا اقتدار جلوگیری از آنها را ندارد .

و از طرف دیگر اولین مجتهد مقلد شیعه که در شهر مقدس نجف مسکن دارد و در میان مسلمین اقتدار پهبای قدیم مذهب کاتولیک را دارا میباشد محمد علی میرزا را تکفیر و خلع و حکم عمومی بتمام ولایات ایران صادر کرده که بگماشتگان او مالیات ندهند و از تمام این مقدمات وقتی که قعر محمد علی میرزا و نبی بودن خزانه ، و بی نظمی ادارات را بآن ضمیمه نمایند خوب واضح خواهد شد که اگر در این زمستان چند روز دیگری هم عمارت سلطنتی طهران

در اینجا برادران وطنی خود را مخاطب کرده میگوینیم با همه اقدامات مجدانه وزیر امور خارجه روس جناب موسیو ایسولسکی در عدم تخلف از مواذ معاهده انگلیس و روس و با اطمینانیکه از حق پرستی و دوستی دولت بهیه همسایه شمالی خود داریم باز باید ملتفت بود که مبادا پارقی (هارتویک) وزیر مختار سابق دولت روس در طهران (که تا دیروز برای استقلال محمد علی میرزا و حفظ مملکت ایران در طهران اظهار جان فشانی میکرد و دولت احمق ما او را با همه تنبیهات ملت دوست با وفا و صدیق امین خود تصور مینمود و امروز با صدای بلند در بطرز بورغ، آذربایجان، و خراسان، و گیلان، و مازندران، و استرآباد، بلکه تمام منطقه نفوذ تجارقی معاهده اخیره را مال روس میشمارد، و دولت روس را بتقص معاهده تشویق نموده برای يك خیال احمقانه بی نتیجه امضای دولت خود را بی اعتبار میخواهد، پیش بیفتد، و دولت روس مقداری از قرض تازه را که یکماه قبل از فرانسه کرده است بمصرف ایران زند، از امروز شما ملت ایران که تسلط صوری و اقتدار معنوی خود را بدست گرفته و نام مردانگی و جلالت خود را در حقوق طلبی گوشزد صغیر و کبیر عالم نموده اید باید بچشمی باز در هر جا که هستید و از هر ناحیه که میتوانید صدا برسانید تأسی بعلمای کرام خود کرده تمام دنیا حالی کنید که قرضی را که امروز محمد علی میرزا بگیرد قرض دهنده مداخله در امور داخله ایران کرده و قرض گیرنده بموجب اقتداریکه امروز در دست ملت است و بحسب نص قانون اساسی نماینده دولت ایران بیست، و بعلاوه قانون اساسی ما در اصل بیست و پنجم تصریح میکند که (استقراض دولتی بهر عنوان که باشد، خواه از داخله و خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود) و شما ملت ایران ابداً خود را مسئول چنین استقراضی و نیز هیچ معاهده و قرارداد تازه نخواهید شمرد و البته این معنی باید پیش از شروع بکار صورت گیرد و قبل از آنکه این خیال در محیله صورت بندد صداهای رسای شما اولاد ایران از همه اطراف مملکت و بلاد خارجه بلند و این اعتراض مشروع را گوشزد تمام عالمیان نماید والسلام.

و در همین قانون اساسی که بسه دفعه قسم او موکد و به دوامضای يك دستخط علیحده او و تصدیق نمایندگان ملی تمام ایران موشح است در اصل هفتم مندرج است. « اساس مشروطیت جزء وکلاً تعطیل بردار نیست. » و در اصل هشتم مضبوط است. « مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی برطبق نظامنامه داخلی مجلس به تشخیص مجلس است. »

پس موافق قانون اساسی ایران سلطنت محمد علی میرزا مشروط به برقراری اساس مشروطه است و به تخت سلطنتی نمی تواند جلوس کند مگر بعد از قسم خوردن به نگهبانی قانون اساسی ایران و همان قانون اساسی ایران نیز قوانین مشروطیت را کلاً و جزءً تعطیل بردار نمیداند. و از اینرو محمد علی میرزا در صورتیکه گذشته از عدم مساعدت و نگهبانی قانون اساسی و معطل گذاشتن قانونی اساسی برضد محتویات خود قانون اساسی مجلس را تعطیل و وکلارا مقتول و انجمنهای ایالات را غارت میکند نمیتواند سلطان قانونی ایران باشد.

و قانون اساسی ایران بهر از ادای عدالتخواهانه او را غاصب و سلطنتش را غیر مشروع میدانند.

بلی امروز محمد علی میرزا نه بواسطه قدرت و نه بتوسط قانون اساسی مملکت سلطان نیست. و هیچ دولت عادله که مراعات قوانین بین المللی را میکند نمیتواند بواسطه جنبه سلطنت او باو استقراض بدهد. معاهده کند، یا قرارداد ببندد. و بلکه دولتمدنه عصر حاضر که قاعده عدم دخالت را تصدیق دارند و مخصوصاً دو دولت دوست و همسایه ما روس و انگلیس که در این اواخر قول صریح رسمی در عدم دخالت بامور ایران داده اند بسمت یککنفر شخص عادی هم نمی توانند باو قرض بدهند چه پس از آنکه امروز نه قدرت محمد علی میرزا و نه قانون اساسی مملکت او را بسطنت معرفی نمیکند و اقتدار مادی و معنوی در دست آزادی طلبان است دولتی که ولو بسمت شخصی باو قرض یا کمک قشونی بدهد بر شیهه برضد قاعده عدم دخالت رفتار کرده است چه این معنی درست بدین ماند که دولت بلژیک به یک رعیت دانمارکی قشون و پول بدهد که سلطنت دانمارک را برای خودش تصرف نماید و معنی چنین اقدامی جز دخالت در امور داخله يك مملکت نخواهد بود.



شهید راه حریت و صادق ترین مدافع حقوق وطن میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر روزنامه صور اسرافیل که در صبح ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۲۴ بسن سی و دو سالگی در باغ شاه طهران بدرجہ شہادت نائل گردید شرح زندگی و خدمات آن وجود مقدس را عنقریب بصورت کتابی طبع و محض تخلید آن نام فنا ناپذیر نشر خواهیم داد.

(وصیت نامه دوست یگانه من هدیه برادری بیوقا
به پیشگاه آنروح اقدس و اعلیٰ)

- * ایمرغ سحر چو این شب تار *
- * بگذاشت ز سر سبزه کاری *
- * وز نفعه روح بخش اسحار *
- * رفت از سر خفتگان خماری *
- * بگشود گره ز زلف زر تار *
- * محبوبه نیلگون عساری *
- * زدان بکمال شد نمودار *
- * و اهریمن زشت خوحصاری *
- * یاد آر ز شمع مرده یاد آر *

- * ایحونس یوسف اندرین بند *
- * تعبیر عیان چو شد ترا خواب *
- * دل پر ز شرف لب از شکر خند *
- * محسود عدو بکام اصحاب *
- * رفتی بر یار خویش و پیوند *
- * آزاد تر از نسیم و مهتاب *
- * زان کوه همه شام با تو یک چند *
- * در آرزوی وصال احباب *
- * اختر بسحر شمرده یاد آر *

- * چون باغ شود دوباره خرم *
- * ای بلبل مستمند مسکین *
- * وز سنبل و سوری و سپرغم *
- * آفاق نگار خانه چین *
- * گل سرخ و برخ عرق ز شبنم *
- * تو داده ز کف قرار و تمکین *
- * ز آن نو گل پیش رس که در غم *
- * نا داده بنار شوق تسکین *
- * از سردی دی فسرده یاد آر *

- * ای همزه بیه بسور عمران *
- * بگذشت چو این سنین معدود *
- * و آن شاهد نغز بزم عرفان *
- * بنمود چو وعد خویش مشهود *
- * وز مذبح زر چو شد بکیوان *
- * هر صبح شمیم عنبر و عود *
- * زان کو بگناه قوم نادان *
- * در حسرت روی ارض موعود *
- * بر بادیه جان سپرده یاد آر *

بتحریرک ایلات مغشوش . تجارت را که روح مملکت و سبب ثروت ملت است بکلی محو نمود و جمعیتها را از اجتماع منع ساخت . رصفیر و کبیر رحم نکرد . مستبدانه بزبان و مال آنها تاخیر کرد . عمارات عالیه ملت را منهدم و ویران . اموال آنها را بهبب و غارت داد . هرکس اسم حریت بزبان آورد زبانش قطع کرد . سلاح ملت را از ایشان بغصب ضبط کرد . حال که ملت در آخرین نفس است چند حکم مستبدانه را اقدام کرده .

یکی آنکه در اینوقت که زبان ملت را بریده و از اظهار حقوق خود عاجز نمود از بعضی افراد ملت سند رفع ید از مشروطیت و امضاء استبداد بلججوریه واداشته است مهر کرده اند .

دوم آنکه میخواهد بعهده ملت از دول دیگر استقراض نموده و در راه سرکوبی ملت صرف نماید . سوم آنکه میخواهد از جانب عموم امتیازات بجانب بدهد و تحصیل وجه نموده باشد .

از آنجائیکه این شاه خود پرست تمام حسیات ملت را باطل نموده و بدرجه محو رسانیده که نه پارلمنت دارند نه جرائد و نه محافل و نه بر اعراض و نفوس و اموال از تلاولات دل بخواهانه او ایمن . لهذا از جانب بقیه السیف ملت ماها که رؤسای روحانی ملت هستیم بر حسب مکالمات شفاهانه و مراسلات کتبی وکیل بابلاغ هستیم که تمام دول متمدنه دنیا برسانیم که در محافل سیاسی و غیر سیاسی مذاکره این سه حکم مستبدانه را نموده بدانند که امضائیکه از افراد ملت باستبداد دولت گرفته شده جبری و از درجه اعتبار ساقط و استقراضی که از تاریخ مشروطیت دولت بعهده ملت کرده باشد ملت ذمه دار ایفای وجه آن استقراض نخواهد بود . و امتیازاتی که در این زمان بجانب داده میشود و معاهداتی که واقع میشود و ملت امضاء و اجازه ندارد لغو و باطل خواهد بود . این شاه با سایر قطاع الطریق یکسان است . این ورقه فعلاً ورقه رسمی ملت ایران شمرده میشود که بتوسط سفیر دولت هولاند

- چون گشت ز نو زمانه آباد •
 - ای سودک دوره طلافی •
 - وز طاعت مندگان خود شاد •
 - بگرفت ز سر خدا خدائی •
 - نه رسم ارم نه اسم شداد •
 - گل بست دهان ژاژ خانی •
 - زان کس که ز نوک تیغ جلااد •
 - مأخوذ بجرم حق ستائی •
 - پمانه وصل خورده یاد آر •
- (علی اکبر دهخدا)

چروتست رؤسای مذهب جعفری
حضرات آیات الله نجف اشرف بکنفرانس حکمیت
لا اله رمضان ۱۳۲۶

دول متمدنه دانستند که ساهی دراز در خصوص استرداد حریت طیبی و خدادادی ملت ایران از دولت مستبده خود کشا کشا بوده تا در آخر سلطنت مرحوم مظفرالدین شاه ملت حقوق طیبی خود را استنفاد نمود و دولت ایران رسماً از استبداد مشروطیت تحویل یافت . قانون اساسی که اساس مشروطیت دولت است نوشته بامضاء مظفرالدین شاه رسید . و محمد علی شاه هم در ولیعهدی و ابتداء جلوس دو مرتبه قانون مزبور را امضاء نمود و در عهده گرفت که او و اخلاف او ابدالدهر از حدود مواد آن تخلف نمایند و سه مرتبه رسم تحلیف بصل آمد . مع ذلك که زمانی نکشید که علانیه خلف عهد و نقض یمین کرد و برخلاف غالب مواد قانون اساسی ارتکاب نمود . محل پارلمان را به توپ بست . مبعوثان ملت را مقتول و منی و محبوس ساخت . جرائد را بالتمام از انتشار ممنوع داشت و مدیران جرائد را سر برید و شکم درید . محاکم را در بست . تلگرافات که عروق مملکت و عمده سبب اتحاد ملت بود از مخبرات ممنوع داشت . بستخانها را تعطیل . خطوط را تفتیش کرد . و راهارا

باین گونه تذکرات نباشید آخر مگر این مسلمین
برادران دینی شما نیستند مگر زنان آنها خواهران
شما نیستند مگر حقوق برادری باهم ندارید چگونه
با سیری خواهران و قتل برادران خود راضی میشوید
چگونه چشم از ودایع الهی میپوشید البته مترقب از شما
اینست که يك دل و يك حبه در متابعت علمای اعلام
که نواب آنحضرتند خاصه حضرت حجه الاسلام آقای
حاجی سید علی آقا تبریزی که با هیت علمیه از نجف
اشرف حرکت فرموده اند کوشیده خواهران خود را
و برادران خود را از قتل خلاص کنید که تا انشاءالله
عدالله از انصار دین و اعوان اسلام و مسلمین محسوب
نه الیاذبالله وقتیکه منادی رب العزة ندا کند این اعوان
الظلمه ملائکه عذاب شماها را حاضر نموده در زد
خدا و رسول صلی الله علیه و اله شرمند و منفعل باشید
ولا تتركوا الى الذين ظلموا فتمسکم النار . عبدالله
المازندرانی . محمد کاظم الخراسانی . نجل المرحوم
الحاج میرزا خلیل قدس سره .

سواد خطابه هیئت علمیه نجف اشرف باحرار آذربایجان

(بسم الله الرحمن الرحيم)

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف
الانبياء والمرسولين وعلى آله واصحابه افضل الشهداء
والمجاهدين از آنجائیکه رشته نفاق هر مملکت و دوام هر
ملت بسته بانفاق و در سایه یکجہتی و اتحاد و ایساز
قوت و شوکت هر دولت و عظمت هر سلطنت متوقف
بر خلوص اهالی آن از شوب غرض و نفاق و منزہ
بودنشان از مرض جہل و شقاق است و اینجہات فرامہ
نیاید مگر بتدبیرات حسنة عقلا و جانفشانیهای غیور
فداکارانی که از باده محبت دین و وطن سر مست

مقیم بغداد بمجلس لاهای اعلام گردید . خدام
شریعت جعفریہ رؤسای روحانی ملت ایران وقاطبہ
شیعہ جعفری علمای نجف اشرف .

نجل الحاج میرزا خلیل طهرانی
الاحقر الحاقی محمد کاظم الخراسانی
الاحقر عبدالله المازندرانی

دستخط علمای اعلام آیات الله فی الانام خطاب
رؤسای ایلات نقل از روزنامه شریفہ نالہ ملت
منظومہ تبریز

(بسم الله الرحمن الرحيم)

عرض میشود گمان ما این بود در زمان دولت
حقه و ظهور حضرت صاحب الزمان علیه الصاوة والسلام
رؤسای عشایر ایران خصوص آنجناب که بغیرت دین
و تشیع مخصوصند جان فشانیها در رکاب آنحضرت نموده
آن بزرگوار را در دفع اعدای دین مبین نصرت و یاری
خواهید نمود حالا نقل میشود که با این همه خدمات
که از ظالمین شریعت مطهره وارد و اینهمه ظلم و
خو بریزی برادران دین که دل حضرت حجه عجل الله
فرجه را خون کرده باز بعضی از شما ساکت و بعضی
نعوذ بالله در اعانت ظلم - وق سواره و پیاده برای
کشتن برادران دینی خود که در میان آنها بسی از
اولیای خدا هستند نموده اید اگر چه سابقاً بعموم
عشایر ایران و خصوص آنجناب اعلام شد که اعانت
ظالمین و اطاعت حکم بقتل مشروطه خواهان بمنزله
اطاعت زیدین معاویه و با مسلمانی منافق است لیکن
چون مظنون است که بان برادران رسانیده اند مجدداً
محض تکلیف شرعی بشما زحمت میدهمیم کما اینکه بسائر
رؤسای عشایر هم اعلام نموده اند تا زود است تدارک
این جرم نموده جراحی که بر قلب حضرت امام
زمان علیه السلام از معاونت ظلام رسیده مرهم گذارید
متوقع از شما این بوده که در این موقع هیچ محتاج

و پا از سر نشانند چنانکه در هر عصر و اوان اعمال
قائدين و بزرگان بر زمین بوده خاصه در صدر اسلام
که بواسطه اتحاد کلمه مسلمين و جمشان در تحت
لوای حقیقه واحده و پاک بودنشان از اغراض نفسانیه
بایک عالم غیرت و شجاعت و یک دنیا فتوت و شہامت
قطعه کوچک جزیره العرب را ثلث زمین قرار داده
کلمه مبارکه اسلام را در شرق و غرب منتشر و بلند
آواز ساختند تا اینکه بطنه سلاطین مستبد در ممالک
اسلامیه و متروک شدن قانون منیف حضرت حتمی
مرتب دو باره بعد از آن همه برقیات محیر العقول بجاک
سیاه نشسته (عاد الاسلام غریباً کما بدأ غریباً) رفته
رفته کار بجائی رسید که ممالک اسلامی منحصر بدو
سه مملکت ضعیف گردیده آنهم متأسفانه از اطراف و
قاعش بحسن کفایت سلاطین و امرا قطعه قطعه جدا
و بسبب زیادتی ابتلاء و نزع ثروت که روح مملکت است
بقیه در بدترین حلقی باقی و بصمص ترین بلائی مبتلا گردید
خوشبختانه چندی قبل بهمم عالیہ شما عقلا و جان نثاران
اذربایجان در خوشی برای یکی از این ممالک که وطن
محترم ما ایران است باز و بساط قانون حریت مشروع
که موجب حفظ بیضه اسلام و شوکت دولت و ترقی
ملت منبسط و آفتاب عدالت از کران تا کران مملکتی
را نور بخش گردیده ولی بدبختانه هنوز مرکب چاپ
آن خشک نشده که باز بید نفس مرکز و تحریکات
ظالمانه مستبدین سحاب ظلمانی ظلم و فساد متراکم و
اطراف این خاک پاک را تیره و تار نموده و نعوذ بالله
تزدیک بود که اساس این بنیان بزرگ از هم پاشیده
و خاک مذلت و خواری بر سر اسلامیان بیخته شود
که ناگاه همت و غیرت شما برادران تبریز جلوه
کرد فداکاری جان و مال در صدد جلوگیری برآمده
موجب انتخار و مباحات ایرانیان و باعث اعتبارشان
نزد عالمیان گردید لذا در کمال جسارت عرضه
میداریم، ای اهالی غیور آذربایجان، ای جان نثاران

مملکت اسلامی، ای جان فشانان در راه ترقی مسلمانان!
ای اجرا کنندگان احکام حجج الاسلام، ای اعضای
محترم انجمن ایالتی، ای یگانه سردار ملت، ای
فرزانه سالارامت، ای کسانیکه در تشدید ارکان دین
مبین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله از جان
و مال مضایقه نکردید، ای کسانیکه در نگهداری
مملکت اسلامی از دست برد اجانب خودداری فرمودید
ای کسانیکه در ابقاء حریت مشروع و تمیم قانون
اساسی مساعه نورزیدید، ای کسانیکه در راه تربیت
انسان ملت و قوت دولت کوتاهی نکردید، ای کسانیکه
بقلب جراحات رسیده حضرت حجت عجل الله فرجه
از دست مستبدین و منافقین مرهم انداخته و خاطر
مبارکش را از خود راضی ساختید، ای کسانیکه
شیرازه پاشیده مملکت را دوباره جمع آوری نمودید،
ای کسانیکه ناموس وطن محترم خود را از بی عصمتی
اغیار محفوظ داشتید، ای کسانیکه نام رفته شش هزار
ساله ایران را زنده نمودید، ای کسانیکه در حفظ ملت
و شرف قومیت از خود گذشتید، ای کسانیکه در
میدان اخذ حقوق مشروعۀ مفصوبه خود چهار اسبه
میتازید، ای کسانیکه تبکرافات و وعده های خود در
قلع و قمع ریشه استبداد و دفاع از وطن محترم خود
وفا کرده و میکنید، ای کسانیکه حجج اسلام و آیات الله
علی الانام در مصائب وارده شما احرار ملت گریان
و نالان و متصل در آستانه مبارکه حضرت امیر سلام الله
علیه نصرت شما را خواهانند، ای کسانیکه اجساد
شهادتان در میان کوی و برزن بی غسل و کفن و
فقراتان از کثرت قحط و غلابی جان و اطفال صغیرتان
از شنیدن غرش توپ و تفنگ گریان و لرزانند
بشارت میدهم شما را که هر چه در جان فشانی و
فداکاری مجدد تر باشید بیشتر اساس مشروطیت را
مشید فرموده و هر قدر توحش اولیای استبداد زیدر
بشود حریت مشروع زودتر جلوه گردد افسرده و

اعلیحضرت همیونی ما بزند یا شانه از یا اوتزوک سیاست ما خالی کند .

و چون بگریاس گردون اساس اعلیحضرت ما عرض شده بود که در آن صفحات چوب و فلک صحیح کمتر بدست میآید از اینرو بکار گذاران فراشخانه مبارکه امر و مقرر فرمودیم که یک بغل ترکه انار که مصداق من الشجر الا خضرنار است از باغ شاه طهران مرکز سلطنت و قلمرو حکمرانی ما چیده وبا یک اصله فلکة ممتاز منقش بآن عالیجاه بفرستند .

از طرف گیرک و کرایه اشیاء مرسوله خاطر آن عزت همراه آسوده باشد .

حضرت مستطاب.....جزال لیاخوف وعده کرده است که همین روزهای نزدیک بتوسط جناب دوست معظم هارتویک مبلنی معتد از دولت متبوعه خود برای ما گرفته ارسال دارد .

و اگر احیاناً از آنجا هم چیزی وصول نشد ، امر و مقرر فرموده ایم که سرکار والا عین الدوله فرمانفرمای کل قشون ظفر نمون و رئیس ازدوی کیوان شکوه برای پنجمین دفعه پست انگلیس را بزند وعایدات را بخزانة مبارکه تحمیل کند . در هر حال خیال آن عزت همراه از این باب بکلی مرفه و فارغ باشد ، چه اگر هیچیک از این دو صورت نگرفت باز حضرت اقدس والا فرزند اعز کامکار ولیعهد فلک عهد دولت گردون مدار را برای دفعه دوم ختنه خواهیم کرد .

محض مزید دعا گوئی و دولتخواهی یک ثوب سرداری تن بوش مبارک ترمه لاکی شمشه مرصع از صندوقخانه مبارکه بآن عالیجاه عزت همراه مرحمت فرمودیم که زیب پیکر افتخار کرده بین الاقران مباهی و سرفراز باشد .

مقرر آنکه مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح فرمان قضا جریان را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند . تحریر را فی چهارم ذیحجه پیچی نیل خیریت دلیل ۱۳۲۶

کسل نشوید دست از همت مردانه و قنوت غیورانه خود رندارید ، اردوهای آزادی خود را نگهداری کنید در زیادی اتحادتان بکوشید باهمدیگر برادروار سلوک کنید .
(بقیه دارد)

چرند پرند

(سواد دستخط ملوکانه به پارلمنت سویس)

آنکه عالیجاه عزت همراه پارلمنت سویس بمراحم کامله همیونی مباهی و مفتخر بوده بدانند .

از قراریکه بخاکبای جواهر آسای اعلیحضرت قدر قدرت همیونی ما معروض افتاده است جمعی از مفسدین مملکت و دشمنان دین و دولت که جز برباد دادن سلطنتی که خداوند متعال بحکمت بالغه خود بما عطا فرموده هوائی در سر و جز اضمحلال اقتداریکه اجداد والاتبای ما بضراب شمشیر برای ما تحصیل فرموده اند خیالی در دل ندارند در قلمرو حکمرانی آن عالیجاه عزت همراه اجتماع نموده اند . از آنجا که درجه لیاقت و کاردانی و کفایت و دولتخواهی آن عالیجاه همواره مشهود نظر کیمیا اثر همیون ما بوده و میباشد و میدانیم که در اطاعت اوامر ملوکانه از هیچ چیز حتی از صرف مال و بذل جان دریغ ندارند . از اینرو آن عالیجاه عزت همراه را بموجب همین دستخط آفتاب نقط مأمور میفرمائیم که بمحض رؤیت فرمان قضا جریان ملوکانه مفسدین مزبور را که از حلیه دولت خواهی عاری و از این رو در پیشگاه خداوندی نیز از دین و دیانت بری میباشد گرفته و در جلو دارالحکومه دولتی بچوب بسته و تا وقتی که در فراشهای حکومتی تاب و توان و در بدن اشرا را پوست واستخوان هست زبند تا مایه عبرت ناظرین و موجب تبه سایر گردنکشان گردیده و بعد از این بدانند که سلطنت و دیمه ایست الهی که از جانب خدای متعال بما واگذار شده واطدیی را حق آن بیست که سر از اطاعت